

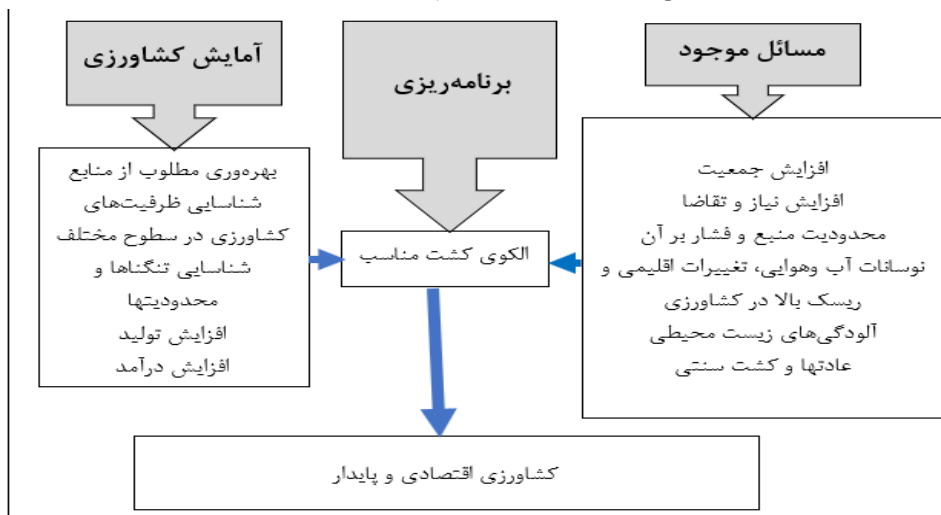
الگوی کشت بهینه؛ پیش‌نیاز کشاورزی پایدار و امنیت غذایی

مقدمه

اصلاح نظام تولید در بخش کشاورزی مستلزم تعریف و پیاده‌سازی الگویی برای کشت محصولات، بر مبنای سیاست‌های کلان کشور، ساختار بازار، دانش کشاورزان و پتانسیل‌های منطقه‌ای و اقلیمی در راستای حفظ محیط زیست و دستیابی به مزیت‌های اقتصادی پایدار است. توجه و تأکید بر الگوی کشت طی چند دهه اخیر اهمیتی دوچندان یافته است؛ زیرا محدودیت‌های منابع به‌طور قابل‌توجهی افزایش یافته و بر همین اساس امنیت غذایی به یکی از مهم‌ترین اولویت‌های کشور تبدیل شده است. شکل نمایش شماتیک کشاورزی پایدار را در یک مدل مفهومی توسعه اقتصادی نشان می‌دهد. همان‌طور که در این شکل نشان داده شده است، لازمه دستیابی به کشاورزی پایدار برای توسعه اقتصادی، الگوی کشت مناسب مبتنی بر جلوگیری از اتلاف منابع و بهره‌وری بهینه از این منابع است. در ماده (۳۵) از قانون برنامه ششم توسعه به نقش و اهمیت پیاده‌سازی الگوی کشت در مدیریت منابع آب و پایداری و افزایش تولید در بخش کشاورزی تأکید شده است.

معاونت پژوهش‌های
زیربنایی و امور
تولیدی
دفتر: مطالعات
زیربنایی

شکل نمایش شماتیک کشاورزی پایدار در توسعه اقتصادی



مشخصات گزارش

شماره مسلسل:

۲۵۰۱۶۷۴۰

تاریخ انتشار:

۱۳۹۸/۹/۱۶

چالش‌های الگوی کشت

به‌طور خلاصه مهم‌ترین چالش‌های پیاده‌سازی الگوی کشت عبارتند از:

۱. تصمیمات بخشی و دستگاهی متعدد در سطوح مختلف حاکمیتی و ناهماهنگی بین تصمیمات تأثیرگذار؛
۲. نبود یک چارچوب نظام‌مند برای الگوهای کشت در کشور؛

۳. سیاست‌های حمایتی دولت بر الگوهای کشت موجود، به‌جز مواردی مثل کشت گندم، ناقص بوده و یا تأثیر قابل توجهی نداشته است؛
۴. شکل‌گیری الگوهای کشت باغی که آب‌بر بوده و نیاز آبی آنها خارج از ظرفیت طبیعی منطقه است و در کوتاه‌مدت نیز قابل تغییر نیست؛
۵. انتخاب الگوی کشت، به‌خصوص در کشت و صنعت‌های بزرگ، عمدتاً بدون توجه به تأثیر آنها بر کیفیت و کمیت منابع آب و خاک؛
۶. بی‌توجهی به ظرفیت کمی و کیفی منابع آب در انتخاب الگوی کشت؛
۷. بی‌تناسبی الگوی کشت موجود با شرایط اقلیمی و فصلی منطقه، در بسیاری از موارد.

مزیت‌ها و ظرفیت‌های کشور

تنوع اقلیمی و بستر تولید از منظر وجود دانش بومی و رسوخ فناوری جدید برای طیف گسترده‌ای از محصولات مختلف در کشور از مهم‌ترین مزیت‌های کشور است. مزیت دیگر موقعیت جغرافیایی کشور ایران و دسترسی آسان به بازارهای بین‌المللی از طریق مسیرهای زمینی و دریایی است. همسایگی با ۱۵ کشور به‌عنوان بازار مصرف بالقوه و همچنین قرارگیری در شاه‌راه بین‌المللی شرق به غرب می‌تواند امتیاز ویژه‌ای را در راستای سیاست‌گذاری تولید کشاورزی و تبادل محصولات و نهاده‌های کشاورزی در اختیار کشور قرار دهد.

راهکارهای پیاده‌سازی الگوی کشت بهینه

به‌دلیل محدودیت‌هایی که در منابع قابل‌دسترس وجود دارد، تأمین نیازهای غذایی جمعیت رو به رشد را تنها می‌توان از طریق برنامه‌ریزی در جهت افزایش برداشت در واحد سطح با استفاده از زمین‌های موجود، منابع آب و سایر نهاده‌های کشاورزی مدیریت کرد. از این‌رو برنامه‌ریزی تولید در مناطق زیرکشت و تعیین الگوهای بهینه آن برای مدیریت سامانه‌های تولیدی کشاورزی، به‌ویژه در مناطق خشک و نیمه‌خشک که به‌دلیل کمبود آب با عدم قطعیت برنامه‌های زراعی مواجه‌اند، ضروری است. پیشنهادهای دیگر در راستای پیاده‌سازی الگوی کشت بهینه عبارتند از:

۱. بسترسازی و حمایت لازم از ایجاد ساختارهای مناسب برای چرخه‌های حدواسط عرضه و تقاضای محصولات کشاورزی و توسعه سیاست کشت سفارشی؛
۲. اتخاذ سیاست‌های حمایتی در برنامه‌های دولت، برای رونق الگوهای کشت متناسب با ظرفیت‌های منابع آب و خاک و اقلیم هر منطقه در کنار تأکید بر تولید محصولات اساسی؛
۳. تعدیل و اصلاح تعرفه‌های صادرات و واردات محصولات کشاورزی برای حفظ بازارهای جهانی محصولات کشاورزی، تنظیم سبد غذایی مناسب در کشور و مصرف بهینه آب، خاک و نهاده‌های کشاورزی و جلوگیری از تصمیمات مقطعی و دفعتی برای این‌گونه تعرفه‌ها؛
۴. حمایت لازم برای جایگزینی کشت‌های پاییزه به‌جای تابستانه برای محصولات آب‌بر از جمله چغندر قند یا جایگزینی محصولات با نیاز آبی کمتر و با در نظر گرفتن اصل امنیت غذایی؛

۵. ترویج و فرهنگ‌سازی کاهش مصرف اقلیمی که در حال حاضر در سبد غذایی کشور بیشتر از نیازهای روزانه مصرف می‌شود از جمله برنج، نان، قند و شکر و تنظیم آنها مطابق استانداردهای تغذیه سالم؛

۶. ایجاد محدودیت برای صاحبان اراضی بزرگ‌مقیاس (مانند بنیادها و سازمان‌های عمومی) برای اصلاح الگوی کشت متناسب با حفاظت منابع آب و خاک.

الزامات تقنینی و اجرایی

تعریف و پیاده‌سازی الگوی کشت بهینه نیازمند تدوین سند ملی و تعریف وظایف همه دستگاه‌های مرتبط با موضوع است. مهم‌ترین اقدامات تقنینی و اجرایی به منظور تعریف و پیاده‌سازی الگوی کشت بهینه بر مبنای معیارهای ذکر شده عبارتند از:

۱. تهیه پهنه‌بندی الگوی کشت کشور متناسب با ظرفیت‌های تولیدی مناطق و ضرورت تأمین امنیت غذایی طی یک زمان‌بندی منطقی (حداکثر دوساله) توسط وزارت جهاد کشاورزی با همکاری دستگاه‌های ذی‌ربط، و تصویب آن در شورای عالی آب؛
۲. پیش‌بینی اعتبارات لازم از سوی دولت در راستای اجرای سیاست‌های الگوی کشت و هدایت کشاورزی هر منطقه برای تحقق الگوی کشت بهینه؛
۳. ایجاد زیرساخت‌ها و تمهیدات لازم توسط دولت برای فعال شدن بخش خصوصی در نظام تولید سفارشی.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

وجود مزیت‌های کشور مانند تنوع اقلیمی، وجود دانش بومی و همسایگی با بازار بزرگ مصرف از یک‌طرف و شکل نگرفتن الگوهای مناسب مصرف و تولید از طرف دیگر ایجاد می‌کند که در برنامه‌های دولت تمام حمایت‌ها، در کنار تولید محصولات اساسی به‌طور هدایت شده و اثربخش به‌جای برنامه‌ها و حمایت‌های یکنواخت برای تعدیل مصرف مواد غذایی و مصرف مطابق سبد مواد غذایی مطلوب و نیز الگوهای کشت متناسب با ظرفیت منابع آب و خاک هر منطقه شکل گیرد. در این راستا ضرورت دارد وزارت جهاد کشاورزی به همراه شورای عالی آب نسبت به تصویب سند ملی الگوی کشت اقدام کنند. ضمناً باید دولت منابع مالی هدایت شده را در قالب بودجه سنواتی به شکل هدفمند پیش‌بینی و تخصیص دهد.

